

سیاست ها و راهبردهای حاشیه نشینی در ایران با تاکید بر مسئله اعتیاد

اندیشکده پایا اندیشکده پایاسجاد هجری سجاد هجری ۳۰ مرداد ۱۴۰۰

بیانیه سیاست پژوهانه و راهبردی حاشیه نشینی گاهی در ایران (با تاکید بر حل مسئله اعتیاد)

امتیاز شورای علمی

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، با مشکل حاشیه نشینی درگیر است. این مسئله ریشه در مهاجرت روستا و شهرهای کوچک به حاشیه شهرهای بزرگ دارد و آسیب های فراوانی از جمله قاچاق، چرخه فقر، تنزاع، خشونت، کودکان کار، و اعتیاد در جامعه ایجاد می کند. از طرفی، مسئله اعتیاد یکی از آسیب های حاشیه نشینی است که با دیگر آسیب های آن هم بستگی دارد و نیازمند توجه بیشتری است. تدوین سیاست برای درمان حاشیه نشینی و پیشگیری از آن نیازمند دانش عمیق در علوم انسانی مختلف است و باید با توجه به دو نوع حاشیه نشین بومی و نابومی تدوین شود.

ضرورت و اهداف پژوهش

حاشیه نشینی، چالش بزرگی است که چاره اش نیازمند اراده همگانی است. حاشیه نشینی آسیب های بسیاری دارد. بزرگترین معضل آن سستی نظام خانواده است و مسئله اعتیاد از دیگر آسیب های آن بوده که خود مشکلات عمده دیگری را ایجاد می کند. بسیاری از نهادهای عمومی و خصوصی برای حل این چالش به تکاپو افتاده اند؛ ولی هنوز موفقیتی بدست نیامده است. رسیدن و دست یافتن به نظام سیاست، راهبرد و راهکار برای پیشگیری و درمان حاشیه نشینی در کشور، نیازمند دانش نظری عمیق در موضوعات گوناگون علوم انسانی مانند «مدیریت»، «جامعه شناسی» و «روانشناسی» است.

در این راستا، همراهی حکومت و مردم در همه ی مراحل ضروریست. بدون شک، عزم دولت برای حل این مسئله لازم است و باید این مهم را پیوسته از دولت مطالبه کرد. حل این مسئله در گروهی «امید» و «اعتماد» مردم است؛ زیرا بدون این دو ویژگی، مردم به سیاست های حکومتی و دولتی سوءظن دارند و در اجرای آن همراه نمی شوند. از طرفی همراهی مردم و برطرف کردن مشکلات موجود با حل مسئله معتاد متجاهر و ایجاد اشتغال برای معتادان، می تواند بسیار اثرگذار باشد.

کلان سیاست حاشیه نشینی

مسئله حاشیه نشینی کلان شهرها و شهرهای بزرگ، ریشه در «مهاجرت» دارد. مهاجرت از روستا و شهرهای کوچک به حاشیه شهرهای بزرگ (مهاجرت قهقری) و مهاجرت از «مرکز شهر» به حاشیه شهر (مهاجرت معکوس) حاشیه نشینی را ایجاد می کنند. دو نوع حاشیه نشینی بومی و نابومی وجود دارد. بومیان آن هایی هستند که در حاشیه شهر به دنیا آمدند و نسل های قبشان به حاشیه شهر مهاجرت کردند و وابستگی به مبدأ ندارند. حاشیه نشینان نابومی هم چنان به به مبدأ وابستگی و تعلق دارند. به همین علت، «امکان بازگشت» به مبدأ در آن ها وجود دارد. در مورد این دو نوع حاشیه نشینی نباید «سیاست» یکسان به کار برد و با توجه به شرایط و ابعاد، باید سیاست متناسب با آن در نظر گرفته شود.

در مورد گونه دوم، باید سیاست مهاجرت معکوس را پیاده کرد و آن ها را با برنامه ریزی به مبدا بازگرداند. در کلان سیاست حاشیه نشینی، باید سه شاخص «میل» به مهاجرت، «استعداد» مهاجرت و «ظرفیت» حاشیه نشینی را برای مردم روستا و شهرهای کوچک بررسی کرد.

راهبردهای توقف مهاجرت و مهاجرت معکوس

خرده سیاست و راهبردهایی در راستای توقف یا کاهش مهاجرت و افزایش میل به بازگشت نیاز است، به شرح زیر است:

افزایش جاذبه و کاهش دافعه مبادی با رفع مشکل اشتغال و معضل منزلت.

ایجاد فناوری های پیشرفته سازگار با بوم.

«توانمندسازی»، احیا و توسعه هنرهای بومی.

سیاست «احساس تبعیض زدایی» که ریشه در «تربیت» دارد.

نقش «رسانه» در زنده کردن ارزش های «استقلال»، «تولید» و «قناعت» و همچنین نمایش مزیت ها و فرصت های زندگی در مبادی و نمایش دشواری ها و تهدیدهای حاشیه نشینی.

«روستایی سازی» آموزش و پرورش در راستای روستایی ماندن روستاها با استفاده از «تربیت» مناسب و متناسب محیط روستاها.

سیاست «ادغام»

در گونه ی بومی حاشیه نشینی که در آن امکان بازگشت به علت عدم وابستگی وجود ندارد، باید سیاست ادغام در شهر و یا «الحاق» به شهر در دستورکار قرار گیرد. از جمله سیاست های ادغام عبارت اند از:

عادی سازی: در سیاست عادی سازی، نهادهای دولتی و خصوصی متعارف شهری مانند دفاتر ثبت احوال و اسناد، پیشخوان دولت و بانک ها، در مناطق حاشیه نشین بنیان گذاری شده یا به این مناطق منتقل می شود. رفت و آمد اقشار مختلف از نقاط مختلف شهر آبادانی اقتصادی و فرهنگی در این مناطق به دنبال دارد. بدین ترتیب، این مناطق از انزوا خارج شده و تفاوت آن با سایر مناطق شهر تا حدودی کم رنگ می شود.

ازدواج: بهره گیری از «نظام خانواده» و همچنین استفاده از نهاد «مسجد» و «روحانیت» یکی از سیاست های ادغام است. با پیوند زناشویی میان حاشیه نشینان و شهر نشینان به شرط «هم تایی» می توان پدیده ذهنی-عینی «مرکز-حاشیه» و «اختلاف طبقاتی» را در جامعه کم رنگ کرد.

خواهرخواندگی: در راستای سیاست ادغام می توان از سیاست «خواهرخواندگی» مناطق فرادست و فرودست که مبتنی بر مشارکت فعال مردم است، بهره برد. در این سیاست، دو محله فرادست و فرودست، به مواجه، تعامل و ارتباطات منجر به صمیمیت، می پردازند، برنامه های مشترکی برگزار می کنند و راهبردهایی را برای «انسجام» به کار می برند.

توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی: ادغام نشدن حاشیه نشینان در شهر علت های اقتصادی و شاید اجتماعی-فرهنگی دارد. در این راستا، باید حاشیه نشینان بومی را از نظر اقتصادی و همچنین فرهنگی-اجتماعی با شهر و زندگی شهری «سازگار» کرد و آنان را در این موضوعات توانمند ساخت.

آسیب های حاشیه نشینی

بزرگ ترین معضل در بسیاری از حاشیه نشینی ها نابودی یا سستی «نظام خانواده» است که خود معلول برخی از علت هاست. از آسیب های حاشیه نشینی می توان به فقر، قاچاق، نزاع، خشونت، کودکان کار و «اعتیاد» اشاره کرد. در این میان، اعتیاد با دیگر آسیب ها هم بستگی دارد نیازمند توجه و چاره اندیشی بیشتری است.

سیاست همراه کردن مردم برای ترک پایدار اعتیاد باید در دستورکار قرار گیرد و تبدیل به دغدغه مردم شود. همچنین باید مردم را با آسیب های اعتیاد به ویژه «تجمع معتاد متجاهر» در جامعه آگاه کرد. به عنوان راهبردی ارزنده در راستای سیاست همراه کردن مردم، می توان آنها را به سوی زندان ها، تیمارستان ها و پردیس های سلامت (کمپ های ترک اعتیاد) کشاند و «امکانات» چنین ملاقات ها و عیادت های مردمی را در این نهادها نیز ایجاد کرد که به طور ویژه در پردیس های سلامت برای معتادان «هویت بخش»،

«حرمت زان» است و «اراده» آنان را برای ترک پایدار افزایش می دهد و آنان را برای بازگشت همیشگی به جامعه و زندگی سالم اجتماعی آماده می کند.

اشتغال محترمانه و ترک پایدار اعتیاد

برخی از مناطق مانند «دروازه غار» با چالش بسیار آسیب زای «تجمع معتاد متجاهر» روبروست که چهره زشت و زنده دارد که خود موجب افزایش اعتیاد می شود؛ چرا که «قبیح» آن را بیشتر می شکند، «جرات» معتادان را نیز افزایش می دهد و برای بینندگان و رهگذران و به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان از وجوه گوناگون، بسیار خطرناک است و دست کم، روان آزار است.

در راستای حل مسئله «تجمع معتاد متجاهر» و به ویژه برای ترک پایدار اعتیاد، «اشتغال» از جایگاهی بنیادین برخوردارست. در چرخه ی ترک پایدار اعتیاد، اشتغال محترمانه ی معتاد بعد یا به هنگام ترک، بسیار مهم است و زمینه ساز هویت بخشی به معتاد در راستای روحیه یابی او برای ترک پایدار و بازگشت به جامعه می شود. معتادان دروازه غار که بیشترشان کارتن خوابند، به کار زیاله جمع کنی مشغولند. کار تجمیع و تفکیک زیاله برای «محیط زیست» و حتی اقتصاد مفید است. از این رو، می توان با رسمی کردن این کار، شغل کاذب آن ها را مشروعیت داد و یکی از پردیس های سلامت را به گونه ای سامان دهی کرد که این کار در آن انجام پذیر باشد.

جمع بندی

مسئله حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ، آسیب های بسیاری در جامعه به دنبال دارد. از جمله معضل های مهم مربوط به حاشیه نشینی سستی و یا نابودی نظام خانواده و مسئله اعتیاد است. در زمینه حاشیه نشین های نابومی، راهبردها باید به کاهش جاذبه ها و افزایش دافعه های مقصد و بالعکس افزایش جاذبه ها و کاهش دافعه های مبدأ، منجر شود. در زمینه حاشیه نشین های بومی نیز سیاست ادغام بسیار راهگشا خواهد بود. به علاوه، افزایش اعتماد حاشیه نشینان و سایر افراد جامعه نسبت به سیاستگذاران برای همراهی بیشتر مردم ضروری است. همچنین با حل مسئله معتاد متجاهر و ایجاد اشتغال محترمانه و ترک اعتیاد پایدار می توان بسیاری از معضلات مربوط به حاشیه نشینی را کاهش داد.